

رویکرد آمیخته پژوهی در امنیت پژوهی: چستی و چرایی

دکتر امیر حسین یآوری بافقی^۱ و دکتر محمد پوراسدی^۲تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۲/۰۷
تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۸/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: رویکردهای فلسفی، زیربنای روش‌های پژوهش هستند. به منظور فهم میزان تناسب روش‌های پژوهشی، اعم از کمی^۱، کیفی^۲ و آمیخته^۳، شناخت رویکردهای فلسفی و پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی، چستی مفهوم واقعیت، چگونگی شناخت آن، و راه‌های کسب آن، از ضرورتی انکارناپذیری برخوردار است. با توجه به محدودیت‌های دو روش کمی و کیفی، و همچنین ماهیت چندبعدی و پیچیده پدیده‌های علوم اجتماعی، نمی‌توان صرفاً با استفاده از یک روش (کمی یا کیفی) به شناخت عمیق و کافی از مسائل این علوم دست یافت. در دهه اخیر توجه به روش‌های آمیخته پژوهش^۴، بیش از پیش مورد توجه محافل علمی قرار گرفته است. این طرح‌ها در یک تقسیم‌بندی، به سه دسته روش‌های آمیخته اکتشافی، تبیینی و درهم تنیده دسته‌بندی می‌شوند.

روش: اگرچه روش آمیخته پژوهی در جهان از جمله در ایران سابقه قابل توجهی ندارد اما در این بررسی مروری تلاش شد تا آخرین تولیدات علمی در این زمینه در کتب، مقالات و پایگاه‌های اطلاعات علمی الکترونیکی معتبر بررسی گردد.

یافته: پژوهش‌های آمیخته به محققان این امکان را می‌دهد تا به جای اینکه صرفاً به دنبال اندازه‌گیری جنبه‌های قابل اندازه‌گیری و مشاهده پذیر پدیده‌ها باشند، به‌طور جامع به درک واقعیت پدیده‌های علوم اجتماعی نایل آیند. به همین دلیل، طرح‌های آمیخته پژوهش را مناسب‌ترین، طرح برای مطالعه در امنیت پژوهی می‌دانیم.

بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از رویکردهای آمیخته پژوهش، به دلیل بهره‌مندی توأمان از مزیت‌های روش‌های کمی و کیفی و رفع کاستی‌های یکدیگر، امکان درک همه جانبه و نظام‌مند از پدیده‌های علوم اجتماعی، نظیر امنیت عمومی، را بیشتر فراهم نموده و در سطحی برتر به افزایش معناداری یافته‌ها و امکان تعمیم بخشی صحیح، منتج می‌شود.

واژگان کلیدی:

روش‌های آمیخته پژوهش، رویکردهای فلسفی، اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی، نظریه انتقادی، ساختارگرایی، سازاگرایی، پساساختارگرایی، روش‌های کمی پژوهش، روش‌های کیفی پژوهش، امنیت پژوهی.

□ استناد: یآوری بافقی، امیرحسین؛ پوراسدی، محمد (۱۳۹۰). رویکرد آمیخته پژوهی در امنیت پژوهی: چستی و چرایی. *فصلنامه*

مطالعات مدیریت/انتظامی، ۶(۴)، ۶۴۵-۶۶۵.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی yavari.90@iran.ir

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

3. Qualitative Research
4. Quantitative Research
5. Mixed Research
6. Mixed Methods Research

مقدمه

توجه به رویکردهای زیربنایی پژوهش که از مکاتب فلسفی نشات می‌گیرند، رهگشا است. بدین منظور ابتدا به بررسی ویژگی‌های مکاتب اثبات‌گرایی^۱، تفسیرگرایی^۲، انتقادی^۳ و پساساختارگرایی^۴ خواهیم پرداخت و در انتها، رویکرد مناسب برای امنیت پژوهی را معرفی خواهیم نمود. هم‌چنین در کلی‌ترین سطح برای انجام تحقیقات در حوزه امنیت، نخست باید میان چند مفهوم بنیادین هستی‌شناسی^۵، معرفت‌شناسی^۶، روش‌شناسی^۷ و روش^۸ تمایز قائل شویم.

آشنایی با برخی از مفاهیم زیربنایی پژوهش

هستی‌شناسی: هستی‌شناسی دربرگیرنده مفروضاتی درباره‌ی ماهیت واقعیت اجتماعی است (روکو، بلیس، گلاگر و پرزپرادو^۹، ۲۰۰۳)، یا به عبارتی چیزهایی است که معتقدیم واقعیت اجتماعی از آن‌ها شکل گرفته است. مفروضات هستی‌شناسی شامل داعیه‌هایست که چه چیزی وجود دارد؟ چگونه به نظر می‌رسد؟ از چه عناصری تشکیل می‌شود؟ و این عناصر چگونه با یکدیگر در تعامل هستند؟

معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی همان‌طور که از نامش پیداست به نظریه یا مبانی کسب معرفت اشاره دارد. معرفت‌شناسی به این مساله می‌پردازد که چه چیزهایی را می‌توانیم «معرفت» محسوب کنیم؟ چه چیزهایی را می‌توانیم بشناسیم؟ و چنین معرفتی باید با چه معیارهایی تطبیق کند تا بتوانیم آن را «معرفت» بدانیم (روکو و همکاران، ۲۰۰۳). بدین ترتیب معرفت‌شناسی به مفروضات و اندیشه‌هایی اشاره دارد که به بحث پیرامون راه‌های ممکن برای شناخت واقعیت اجتماعی می‌پردازد، صرف نظر از هر معنایی که واقعیت اجتماعی داشته باشد (کاپلان^{۱۰}، ۱۹۸۵).

-
1. Positivism
 2. Interpretivism
 3. Critical Theory
 4. Post-structuralism
 5. Ontology
 6. Epistemology
 7. Methodology
 8. Method
 9. Rocco, Bliss, Gallagher & Perez-Prado
 10. Kaplan

روش‌شناسی: اغلب دانشمندان و دانش پژوهان اتفاق نظر دارند که بررسی روش‌مند واقعیت طبیعی یا اجتماعی، بهینه‌ترین راه برای دستیابی به حقیقتی «آزمون پذیر» و «معتبر» است. بدین معنا که وقتی نتایج برآمده از یک تحقیق، به‌طور روشمند حاصل گردد؛ دیگر پژوهشگران نیز امکان تجربه دوباره آن، و رسیدن به نتایجی مشابه را خواهند داشت و یا احتمال «ابطال پذیری» آن حقیقت علمی را بیشتر میسر می‌نماید. این طرز تلقی از روش، برای قرن‌ها اندیشه اغلب میان نظریه پردازان در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی و انسانی بوده است. اما با توجه به نارسایی‌های آن در کسب شناخت صحیح از ماهیت پدیده‌ها (به‌ویژه در گستره علوم اجتماعی) به دلیل عدم توجه به گونه‌های تفاوت در علوم مختلف، با چالش‌های عمده‌ای مواجه شده است. فایرabend^۱ (۱۹۷۵)، در کتاب خود با عنوان «علیه روش^۲» این سنت علمی را به چالشی اساسی کشانده است. از نظر او با «روش» نمی‌توان به حقیقت دست یافت. او بر این باور است که: «تصور این که می‌توان، و باید، علم را منطبق با قواعد ثابت و جهان‌شمول، حیات و استمرار بخشید، تصویری غیرواقع‌بینانه و مهلک است. زیرا از استعدادهای انسان و شرایطی که مشوق و مسبب توسعه استعدادهای انسانی اوست، تلقی بسیار ساده‌ای دارد. اگر توانایی شناخت حقیقت را به وسیله روش، مفروض بداریم، آن‌گاه سوال دیگری مطرح است: آیا یک روش واحد برای کشف حقیقت وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال، گونه‌های متفاوتی از مباحث فلسفی را به همراه داشته است. در یک نگاه کلی می‌توان این پاسخ‌ها را به دو دسته کلی تقسیم بندی کرد. اگر همچون اثبات‌گرایان پاسخ دهیم، آن‌ها به این سؤال، پاسخ مثبت داده‌اند؛ به گونه‌ای که بر این باورند که میان علوم طبیعی و علوم انسانی از لحاظ روش بررسی «واقعیت^۳» تفاوتی نیست (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ برنارد، ۱۹۹۵؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳). این دسته از اندیشمندان، روش‌های کمی^۴ پژوهش را - که سعی دارد با کنترل متغیرهای ناخواسته، به دانشی قابل تعمیم دست یابد را - پیشنهاد می‌کنند.

اما اگر همچون تفسیرگراها^۵، پیروان نظریه انتقادی^۶ و پس‌ساختاری^۷ پاسخ دهیم، آن‌گاه جواب ما منفی خواهد بود. به گونه‌ای که بر این باورند که به‌طور ماهوی، میان موضوع مطالعات علوم طبیعی

1. Feyerabend

2. [Against Method](#)

3. Reality

4. Quantitative Research

5. Interpretivism

6. Critical Theory

7. Post-Structuralism

و علوم انسانی تفاوت وجود دارد (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳) و از همین رو نمی‌توان روش واحدی را برای بررسی «واقعیت» متصور شد. این دسته از اندیشمندان، روش‌های کیفی^۱ پژوهش را - که سعی دارد تا جنبه‌های پدیده مورد مطالعه را در بستر و شرایط طبیعی مورد مشاهده و بررسی قرار دهد و به دنبال کسب دانش تعمیم‌یافتنی نیستن - پیشنهاد می‌کنند. (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴) نکته‌ای که در اینجا باید به آن تأکید شود این است که گروه دوم، یعنی معتقدان به روش کیفی، خود نیز به دو زیر گروه تقسیم می‌شوند: در زیر گروه اول، آن‌هایی هستند که بر این باور تأکید دارند که روش کیفی را باید برای تمامی موضوعات در علوم اجتماعی به کار برد. در زیر گروه دوم، آن‌هایی هستند که بر این باور تأکید دارند که نمی‌توان در همه حال روش کیفی را در مورد پدیده‌های اجتماعی به کار بست؛ بلکه این طبیعت و ماهیت موضوع هست که تعیین می‌کند از چه روشی برای بررسی آن استفاده کنیم.

روش

سال‌ها تحقیق و تدریس در حوزه علوم اجتماعی نشان داد که تحقیقات کمی و کیفی هر یک به تنهایی محدودیت‌های جدی در پاسخ به سؤالات حوزه انسان، اجتماع و ارزش‌های او دارند. برای رفع این کمبودها روش آمیخته پژوهی، راه حلی بود که سابقه داخلی و خارجی بسیار کمی داشت. کمی جستجو در پایان‌نامه‌ها نشان داد که تقریباً بندرت پایان‌نامه‌ای به روش کیفی انجام می‌گیرد چه رسد به اینکه این گونه تحقیقات به دنبال بهره‌گیری از روش آمیخته پژوهی باشند. برای این منظور تعداد ۱۵ جلد کتاب فارسی و لاتین، تعداد ۲۵ عنوان مقاله و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر الکترونیکی مانند: Jstor; Sciencedirect; Ebscohost; Routledge; Eric; Elsevier & Springer; تقریباً مرتبط از بین سایر موارد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند.

مبانی نظری

پارادایم پوزیتویسم و تأثیر آن بر نسل اول روش‌شناسی پژوهش: رویکرد پوزیتویسم که معادل فارسی آن، اثبات‌گرایی و اصالت تحصیلی است، یکی از رویکردهای زیربنایی پژوهش است (فی، ۱۳۸۱؛ بازرگان، ۱۳۸۵). آگوست کنت^۲ فیلسوف و جامعه‌شناسی فرانسوی برای اولین بار در تاریخ علوم، این

1. Qualitative Research

2. [Auguste Conte](#)

اصطلاح را به کار برد و مدعی شد که تنها راه شناخت، علم تجربی است (توسلی، ۱۳۸۴). وی سه مرحله «الهی و دینی»، «فلسفی یا متافیزیکی» و «علمی» را برای فکر بشر متصور بود (کالهن، ۲۰۰۲؛ اسکات و مارشال^۵، ۲۰۰۵؛ بریل و مورگان، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۸۴).

برای شناخت هر مکتب، توجه به پیش فرض‌های زیربنایی آن، ضرورت دارد. رویکرد اثبات‌گرایی بر پیش فرض‌های همچون: الف) وجود جهان خارج از ذهن؛ ب) حکم‌فرمایی قوانین جهان‌شمول بر جهان خارجی؛ ج) امکان کشف این قوانین؛ د) معتبرترین ادعاهای علمی، ادعاهای آماری، ریاضی و کمی هستند؛ استوار است.

رسوخ پژوهش‌های کمی در حوزه‌های علوم انسانی، ره‌آورد غلبه دیدگاه اثبات‌گرایی در عرصه علم بود؛ روش‌هایی که برای حدود نیم قرن، روش غالب در مطالعات علوم انسانی در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌رفت. با این همه با توجه به کاستی‌های عمده این روش‌ها، زمینه برای ظهور و ترویج نسل دوم روش‌شناسی پژوهش فراهم آمد. با توجه به ضعف‌های عمده پژوهش‌های کمی و ناتوانی در پاسخ‌گویی به خواسته‌های علوم انسانی، و انتقادهای بی‌شماری که از این پژوهش‌ها صورت گرفت، زمینه لازم برای ظهور نسل دوم پژوهش‌ها، یعنی پژوهش‌های کیفی، در مطالعات علوم انسانی فراهم شد و به‌سرعت مورد توجه محافل علمی قرار گردید.

متأسفانه شواهد تجربی نشان می‌دهد که در کشورمان، در حوزه علوم انسانی، به‌اندازه کافی به پژوهش‌های کیفی توجه نمی‌شود و اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه و به‌ویژه روان‌شناسی و علوم تربیتی، در نسل اول پژوهش‌ها (کمی‌گرایی) متوقف شده‌اند. لطف آبادی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات علمی پژوهشی روان‌شناسی در ایران» ادعان می‌کند که بیش از ۹۶ درصد از پژوهش‌های منتشر شده در مجلات روان‌شناسی کشور از نوع پژوهش‌های کمی بوده‌اند. که جای بسی تأمل دارد.

پرواضح است که روش‌های کمی به‌دلیل مفروضات زیربنایی‌شان، کم‌ترین تناسب را برای مطالعه پدیده‌های علوم اجتماعی، نظیر امنیت عمومی، دارند و نمی‌توان صرفاً با استفاده از روش‌های کمی به شناخت و درک عمیق از واقعیت پدیده‌های انسانی نایل شد.

-
1. [Theological](#)
 2. [Metaphysical](#)
 3. [Scientific](#)
 4. Calhoun
 5. Scott & Marshall

پارادایم تفسیری و ظهور نسل دوم روش‌شناسی: منظور از تفسیرگرایی، به جریان‌های فکری اطلاق می‌شود که در اواخر قرن نوزدهم و به منظور مبارزه با رویکرد اثبات‌گرایی پدید آمد. به دیگر سخن، سنت درون‌فهمی به‌عنوان ویژگی تفسیرگرایی در علوم انسانی توصیف شده است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در واکنش به جامعه‌شناسان و تاریخ‌دانان آلمانی و سپس فلسفه اغلب اثبات‌گرایی برپاخاسته است (برنشتین^۱، ۱۹۸۳؛ بریانت^۲، ۱۹۸۵؛ کالهن^۳، ۲۰۰۲). هسته محوری این نظریه، تاکید بر وجود تفاوت ماهوی بین علوم انسانی و علوم طبیعی است. پیش از پیدایش و شکوفایی نسل دوم رویکردهای روش‌شناسی، پژوهشگران علوم انسانی با استفاده از مفروضات پارادایم اثبات‌گرایی، بسان پژوهشگران علوم طبیعی و با یک روش یکسان به مطالعه پدیده‌های انسانی می‌پرداختند. در این اثنا، پارادایم تفسیری، ضمن رد دیدگاه اصحاب اثبات‌گرا در اندازه‌گیری جنبه‌های پدیده‌های انسانی، هدف علوم اجتماعی را درک پدیده‌ها از منظره سازندگان آن، معرفی کرد. به عبارت دیگر، پیروان این نظریه بر این باورند که هدف علوم انسانی، فهم کنش انسانی در بافت اجتماعی^۴ آن است (روکو و همکاران، ۲۰۰۳). در حالی که پیروان اثبات‌گرایی (پوزیتیویست‌ها) و طرفداران وحدت علوم، بر این باورند که هدف هر علم، ارائه تبیین علی از پدیده‌ها است (هوسن^۵، ۱۹۹۶).

بدیهی است که درک کنش انسانی در پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی، از راه بررسی دیدگاه سازندگان و تفسیرکنندگان آن واقعیت، میسر است. برای درک این عمل و عکس‌العمل انسانی، بررسی دیدگاه افراد تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر آن پدیده در شرایط طبیعی ضرورت تام دارد (روکو و همکاران، ۲۰۰۳)؛ چرا که بسیاری از این رفتارها در فرایند اجتماعی شدن و بر اساس قواعد فرهنگی یک منطقه خاص در انسان‌ها شکل گرفته‌اند (برنارد، ۱۹۹۵؛ دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳). این رفتارها هم چنین بر اساس توافقات صورت گرفته بین اعضای فرهنگی یک جامعه شکل محکم و استواری به خود می‌گیرند و معمولاً به سنت‌ها و ارزش‌هایی تبدیل می‌شوند که مبنای رفتار آیندگان را نیز شکل می‌دهند (بریل و مورگان، ۱۳۸۲؛ آزادارمکی، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۸۴).

پیروان پارادایم تفسیری، مشاهده مشارکتی^۶ را برای فهم پدیده‌های انسانی، جایگزین ابزارهای عینی

-
1. Bernstein
 2. Bryant
 3. Calhoun
 4. Social Context
 5. Husen
 6. Participative observation

اثبات‌گرایی می‌کنند و روش‌هایی نظیر، مطالعه موردی^۱، قوم‌نگاری^۲، پدیدارشناسی^۳، نظریه برخاسته از داده‌ها^۴، مصاحبه گروه‌های کانونی^۵ و تحقیق تاریخی^۶ را برای پژوهش در حوزه علوم انسانی پیشنهاد می‌کنند.

نظریه انتقادی

مفاهیم زیربنایی نظریه انتقادی، محور اصلی پژوهش‌های فکری، فلسفی، و تحقیقات نظری و کانون‌اندیشه‌ها و آرای مکتب فرانکفورتی به شمار می‌آید. این مفهوم که نخستین بار در سال ۱۹۳۷ مطرح شد اساساً نوعی قالب نظری برای متمایز ساختن پیروان و معتقدان خود از اشکال رایج و اغلب مارکسیسم ارتدکس و رسمی محسوب می‌شد (هلد^۷، ۱۹۸۰). هسته اصلی نظریه انتقادی، برآیند آثار چهاراندیشمند عمده یعنی هورک‌هایمر، مارکوزه، آدورنو و فروم است.

نظریه انتقادی، که در واقع نقطه مقابل رویکرد اثبات‌گرایی به شمار می‌رود. پیروان این نظریه، به دلیل اینکه رویکرد اثبات‌گرایی و روش‌های کمی پژوهش منتج از آن، صرفاً به دنبال تبیین وضع موجود بوده‌اند، بر این باورند که روش‌های کمی پژوهش عمدتاً در خدمت توصیف و تأیید وضع موجود هستند. در صورتی که از منظر پیروان نظریه انتقادی، کسب شناخت در خدمت، ایجاد تغییر در شرایط نابرابر وضع موجود است. به زعم بازرگان، در این دیدگاه، شناخت واقعیت و برابری فرصت‌ها در هم تنیده‌اند از این رو ضرورت دارد تا ضمن کسب دانش در خصوص پدیده‌ها، به‌شناسایی تاثیرات قدرت بر نابرابری‌های فرصت‌های موجود پرداخته شود. پیروان این نظریه بر این باورند که باید با مشارکت‌دهی افراد شرکت‌کننده در فرایند پژوهش، ضمن ایجاد زمینه‌های مؤثر در افزایش درک و توانمندی آنان، شرایط لازم برای ایجاد تغییر در ساختارهای نابرابر فراهم آید. این نظریه روش‌هایی همچون اقدام پژوهی^۸ و قوم‌نگاری انتقادی^۹ را، مناسب‌ترین روش پژوهش معرفی می‌کنند؛ چرا که در این روش‌ها،

-
1. Case study
 2. Ethnography
 3. Phenomenology
 4. Grounded Theory
 5. Focus group interview
 6. Historical research
 7. Held
 8. Action Research
 9. Critical Ethnography

پژوهشگر تنها فرد هدایت‌گر فرایند پژوهش نیست. بلکه افراد مورد مشاهده خود نیز به‌عنوان اعضای گروه تحقیق به حساب می‌آیند (بازرگان، ۱۳۸۵).

نظریه پسا ساختارگرایی^۱

واژه «ساختار»^۲ از ریشه لاتین «ساختن آ»، و از قرن پانزدهم وارد زبان انگلیسی شد. این واژه تا قرن هفدهم تنها در معماری استفاده می‌شد، اما از آن زمان به بعد در علم کالبد شکافی و دستور زبان نیز به کار رفت. با این حال، کاربرد مفهوم ساخت در تاریخ‌اندیشه جامعه‌شناسی، به قرن نوزدهم بر می‌گردد (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۵). ساختار، به‌عنوان چارچوب پیدا یا ناپیدای هر چیز، عبارت است از نظامی که در آن، همه اجزای یک مجموعه در پیوند با یکدیگرند و در کارکردی هماهنگ، کلیت اثر را می‌سازند و موجودیت کل اثر در گرو همین کارکرد هماهنگ است. برخی نیز ساختار را به قوانین ثابت و لایتغیری که در همه سطوح زندگی انسانی از شکل بدوی تا پیشرفته مدخلیت دارد، تعریف کرده‌اند (حقیقت، ۱۳۸۶). به دیگر سخن ساختار یک پدیده اجتماعی یا نهاد، «شبهه نقش‌ها و منزلت‌هایی» را در بر می‌گیرد که در درون آن نهاد یا پدیده اجتماعی تعریف شده است. برای مثال در نهاد خانواده، پدر، مادر، خواهر و فرزند هر کدام دارای نقش‌ها و منزلت‌های خاص خودشان هستند. در هر فرهنگ، از هریک از اعضای خانواده، انتظاراتی می‌رود که سازنده ساختار خانواده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که ساختار، یک عامل بیرونی است که بر کنش‌گران وارد شده و رفتارها و اندیشه‌های آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

سازاگرایی^۳ در مقابل ساختارگرایی

در ساختارگرایی، تاکید بر منفعل بودن کنشگران در برابر تاثیرات «وضعیت» است، درحالی‌که در سازاگرایی از نقش فعال کنشگر در «بازسازی» ساختارهای موجود، سخن به میان آورده می‌شود. به دیگر سخن در سازاگرایی، کنشگر موجودی آگاه، فعال و سازنده‌ای است که امکان و قابلیت تغییر در وضعیت خویش را دارد (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳).

برای مثال در خصوص تاثیر محیط دانشگاه بر دانشجویان تازه وارد به دانشگاه، یک ساختارگرا بر این باور است که محیط دانشگاه (به‌عنوان یک واقعیت عینی و بیرونی) بر شخصیت پسر/ دختری که تازه

1. post-structuralism
2. Structuer
3. Struere
4. Constructivism

از دبیرستان آمده تاثیر می‌گذارد و رفتار او را متفاوت می‌کند. اما سازاگرا، معتقد است که، همه چیز از ذهن آغاز می‌شود و این شیوه تفسیر انسان از واقعیت است، که بر رفتارش تاثیر می‌گذارد. از این رو بدان به اصطلاح، مکتب کنش متقابل گفته می‌شود. در زندگی بارها شاهد بوده‌ایم که انسان‌ها در وضعیت‌های یکسان رفتاری متفاوتی از خود نشان می‌دهند و این به دلیل تفاوت تفسیرهایشان از واقعیت بیرونی می‌باشد. در مکتب کنش متقابل، ساختارها از تعاملات میان کنشگران حاصل می‌گردد و این کنشگر و ذهن اوست که در آخرین تحلیل تعیین کننده است.

یک سازاگرا معتقد است که تکامل جامعه بشری در اثر تکامل ساختار ذهنی انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد و تغییر وضعیت زندگی انسان‌ها در طول تاریخ، برخاسته از تغییر و تحولات ذهنی آن‌ها بوده است. در سازاگرایی، «ساخت» از کنش متقابلی که با کنشگران برقرار می‌نماید تعیین می‌پذیرد (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع «ساخت واقعیت اجتماعی»، از کنش متقابل میان افراد حاصل می‌گردد. در حالی که در ساختارگرایی، این ساختارها هستند که نیروهای خود را بر فرد اعمال می‌کنند. به همین لحاظ ساختارگرایی تا حدی فرد را منفعل ساخته و قادر به ارائه توضیح قابل قبولی در خصوص انقلاب و دگرگونی اجتماعی نیست.

پساساختارگرایی و ظهور مفهوم گفتمان

ظهور انتقاداتی به مفروضه‌های بنیادین ساختارگرایی، موجبات ظهور جنبش دیگری تحت عنوان پساساختارگرایی را فراهم نمود. مهم‌ترین انتقاد به ساختارگرایان، ذهنی بودن برخی از مفروضات و تجربه ناپذیری آن‌ها بود (حقیقت، ۱۳۸۶).

ساختارگرایان، همه چیز را ساختمند تلقی می‌کردند و ساختارها را وجودی ثابت، طبیعی و از پیش تعیین شده می‌دانستند. در حالی که به زعم اصحاب پساساختارگرایی، ساختارها ثابت نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. ناتوانی ساختارگرایان در دفاع از ایده وجود ساختار ثابت در پدیده‌ها، منجر شد به اینکه ساختارگرایی، طبق فرایندی که کوهن، انقلاب‌های علمی می‌نامید، از مرکزیت توجه‌ها خارج شود و پارادایم اغلب را از ساختارگرایی به ساختارشکنی و هرج و مرج پست مدرنیسم منتقل کرد.

به‌طور کلی، اگر ساختارگرایی را با ادعای وجود «هسته مرکزی» ثابت و بدون تغییر در پدیده‌ها معادل بدانیم؛ پساساختارگرایی مدعی وجود تغییر و تحول در خود آن «هسته» است. واقعیت، در دیدگاه پساساختارگرایی پدیده‌ای اجتماعی و چند بُعدی است که در لایه‌های زبان و گفتمان مستتر است. از

این‌رو، پژوهشگر مبتنی بر دیدگاه پساساختارگرایی سعی دارد تا با استفاده از روش «تحلیل گفتمان»^۱، چگونگی شکل‌گیری پدیده‌هایی را که به‌طور مستقیم از روابط بین کسانی که صاحب قدرتند با کسانی که تحت سیطره قدرتند را آشکار سازد (بازرگان، ۱۳۸۵).

ملاحظه مهم: در مجموع، پیدایش پارادایم‌های تفسیرگرایی، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی، منتج به ظهور روش‌های کیفی پژوهش شدند (بازرگان، ۱۳۸۵). این دسته از پژوهشها نسبت به پژوهش‌های کمی، از تناسب بیشتری با انسان و پدیده‌های علوم اجتماعی برخوردارند (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳).

چرایی ظهور نسل سوم روش‌شناسی پژوهش

با ظهور نسل دوم روش‌شناسی‌های پژوهشی (که منتج به ظهور پژوهش‌های کیفی شدند)، برخی از نارسایی‌های روش‌شناسی پژوهش نسل اول (که منتج به ظهور پژوهش‌های کمی شده بودند)، برطرف گردید. اما به‌رغم برطرف شدن برخی از کاستی‌های پژوهش‌های کمی، خود روش‌های کیفی نیز دارای برخی کاستی‌ها بودند. عمده‌ترین کاستی‌های این پژوهش‌ها، بی‌توجهی به جنبه‌های کمی پدیده‌ها (بازرگان، ۱۳۸۶)، عدم امکان تعمیم یافته‌ها (هوسن^۲، ۱۹۹۶؛ دنزین و لینکلن، ۲۰۰۴)، محدود بودن گسترده‌ی اجرای تحقیق کیفی (نیومن^۳، ۲۰۰۰)، و.. است که هر یک می‌تواند دسترسی به درک جامع پدیده مورد مطالعه را به چالش بکشاند.

این کاستی‌ها، منجر به ظهور نسل سوم روش‌شناسی پژوهش گردید^۴ که برآیند آن به ظهور روش‌های آمیخته پژوهش^۵ منتج شد (کمرن و میلر^۶، ۲۰۰۷؛ کمرن، ۲۰۰۹). هرچند که در ابتدای مطرح شدن رویکرد آمیخته، بحث‌های متعددی در محافل علمی در خصوص ناسازگاری و عدم امکان استفاده توأمان از دو نوع پژوهش کمی و کیفی در یک مطالعه به‌وقوع پیوست و این مباحث تا جایی پیش رفت که برخی نسبت به صحت و شدنی بودن پژوهش‌های آمیخته با تردید برخورد می‌کردند (بگلی^۷، ۱۹۹۶؛ فوز

-
1. Discourse Analysis
 2. Husen
 3. Neuman
 - 4.
 5. Mixed Method Reseach
 6. Cameron & Miller
 7. Begley

و الفسن^۱، ۲۰۰۲؛ ریسجورد و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ با این همه در حال حاضر بیش از پیش استفاده از روش‌های آمیخته مورد تاکید قرار گرفته و تمایل برای ترکیب روش‌های تحقیق^۳ کمی و کیفی به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با علوم اجتماعی و ارزشیابی رشد چشمگیری داشته است (کراسول^۴، ۲۰۰۲ به نقل از بازرگان، ۱۳۸۶؛ کمرون و میلر، ۲۰۰۷؛ کمرون، ۲۰۰۹).

با وجود این، برای درک همه جانبه پدیده‌های اجتماعی، ناگزیر به استفاده از هر دو دسته روش‌های کمی و کیفی هستیم. روش‌های کمی به ما در توصیف الگوهای اجتماعی یاری می‌رساند، در حالی که رویکردهای کیفی، به ما در فهم اینکه چگونه افراد انسانی الگوهای اجتماعی را درک و بازنمایی می‌نمایند، کمک می‌کنند (دلنتی و استریدوم^۵، ۲۰۰۳). به زعم پولیت و بک^۶ (۲۰۰۶)، پژوهش کیفی اغلب برای کشف تجارب شخصی افراد مفید است در حالی که پژوهش‌های کمی، زمینه لازم برای کسب و شکل‌دهی یافته‌های قابل تعمیم درباره یک جامعه را فراهم می‌آورد (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳). پرواضح است که هر دو دسته روش‌های کمی و کیفی از تعدادی نقاط قوت و ضعف برخوردارند از همین رو تلفیق این دو روش، می‌تواند شرایط لازم را در بیشینه‌سازی فراهم نماید. هم‌چنین مزیت‌های هریک از پژوهش‌های کمی و کیفی از یک‌سو و کمینه‌سازی کاستی‌های آن‌ها در یک مطالعه واحد از دیگرسو، امکان درک عمیق، دقیق و همه‌جانبه پدیده‌ها را تسهیل می‌نماید. از این‌رو آشنایی با چپستی نسل سوم روش‌شناسی‌های پژوهشی، یعنی روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته، از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است

انواع طرح‌های آمیخته پژوهش از حیث اهمیت داده^۷

پژوهشگر از نظر اهمیت به داده‌های هر یک از روش‌های کمی و کیفی (شاخص اول) نیز می‌تواند به داده‌های کمی و کیفی، اهمیت یکسان^۸ یا متفاوت^۹ بدهد؛ این امر می‌تواند به سه حالت رخ دهد:

1. Foss & Ellefsen
2. Risjord et al.
3. Combining research methods
4. Creswell
5. Delanty & strydom
6. quantitative methods may help describe social [patterns](#), while qualitative approaches could help to understand how individuals understand those patterns
7. Polit & Beck
8. Mixed method design
9. Equal Status
10. Dominant Status

الف) به داده‌های کمی اهمیت بیشتری در مقایسه با داده‌های کیفی بدهد؛ ب) به داده‌های کیفی اهمیت بیشتری در مقایسه با داده‌های کمی بدهد؛ ج) اهمیت یکسانی را به هر دو دسته داده‌های کمی و کیفی بدهد (بازرگان، ۱۳۸۶). هم‌چنین پژوهشگر از نظر تقدم و تاخر زمانی در گردآوری داده‌های کمی و کیفی (شاخص دوم) می‌تواند، داده‌های کمی و کیفی را به‌طور همزمان^۱ یا به‌توالی^۲، یکی پس از دیگری، گردآوری کند (جوهرانسون و انوگبوزی^۳، ۲۰۰۴). این امر می‌تواند به یکی از این سه حالت رخ دهد: الف) ابتدا داده‌های کمی گردآوری شود و سپس به گردآوری داده‌های کیفی پرداخته شود؛ ب) ابتدا داده‌های کیفی گردآوری شود و سپس به گردآوری داده‌های کمی پرداخته شود؛ ج) هر دو نوع داده کمی و کیفی در یک زمان گردآوری شود.

انواع طرح‌های تحقیق آمیخته

به زعم کمرون و میلر (۲۰۰۷)، در یک تقسیم‌بندی و بر اساس دو شاخص: الف) «میزان اولویت^۴ یا اهمیت برای داده‌های کمی و کیفی»؛ و ب) «چگونگی «توالی» در گردآوری داده‌های کمی و کیفی»، طرح‌های آمیخته به سه دسته: الف) طرح‌های تحقیق آمیخته به‌هم تنیده^۵؛ ب) طرح‌های تحقیق آمیخته تبیینی یا تشریحی^۶؛ ج) طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی^۷، تقسیم می‌شوند.

الف) طرح‌های تحقیق آمیخته به‌هم تنیده

برای درک چستی طرح‌های آمیخته، توجه به دو شاخص الف) «اهمیت یکسان یا متفاوت برای داده‌های کمی و کیفی»؛ و ب) «تقدم و تاخر یا همزمانی در گردآوری داده‌ها»، ضرورت دارد. طرح‌های آمیخته از نوع درهم‌تنیده، طرح‌هایی هستند که در آن‌ها به هر یک از دو دسته داده‌های کمی و کیفی، اهمیت یکسانی داده می‌شود (از لحاظ شاخص اول)، و به‌طور همزمان به گردآوری داده‌های کمی و کیفی پرداخته می‌شود (از لحاظ شاخص دوم). به عبارت دیگر در طرح‌های آمیخته درهم‌تنیده، پژوهشگران ضمن گردآوری همزمان داده‌های کمی و کیفی، در تحلیل و تفسیر یافته‌هایشان برای هر دو

-
1. Concurrent
 2. Sequential
 3. Johnson & Onwuegbuxie
 4. Priority
 5. Implementation Sequence
 6. triangulation mixed methods design
 7. Explanatory mixed methods design
 8. Exploratory mixed methods design

دسته داده‌های کمی و کیفی، وزن مشابهی قائل می‌شوند و امتیاز ویژه‌ای برای نوع خاصی از داده‌ها لحاظ نمی‌کنند. (کمرن و میلر ۲۰۰۷)

ب) طرح‌های تحقیق آمیخته تبیینی یا تشریحی^۱

طرح‌های آمیخته از نوع تبیینی، طرح‌هایی هستند که در آن‌ها به داده‌های کمی (شاخص اول)، اهمیت بیشتری داده می‌شود و از لحاظ اجرایی (شاخص دوم)، داده‌ها در دو مرحله مجزا گردآوری می‌شود (کمرن و میلر، ۲۰۰۷). یعنی ابتدا داده‌های کمی گردآوری می‌شود و در مرحله دوم، به گردآوری داده‌های کیفی پرداخته می‌شود. در واقع در این روش، هدف پژوهشگر این است که با استفاده از داده‌های کیفی، به تبیین دقیق‌تری از یافته‌های کمی بپردازد. به عبارت دیگر در این نوع طرح‌های آمیخته، یافته‌های کیفی در خدمت کمک به وضوح بخشی، پرمایه کردن و عمق بخشیدن به یافته‌های کمی است. به سخن دیگر در طرح‌های آمیخته تبیینی، پژوهشگران امتیاز ویژه‌ای برای داده‌های حاصله از روش‌های کمی قائل‌اند. آن‌ها پس از اینکه از طریق داده‌های کمی توانستند، متغیرهای کمی و قابل اندازه‌گیری پدیده مورد بررسی را شناسایی و برآورد کنند، برای کمک به درک عمیق آن یافته‌ها و بازنمایی جنبه‌های کیفی و مستتر آن پدیده، از داده‌های حاصله از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند (بازرگان، ۱۳۸۶).

ج) طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی^۲

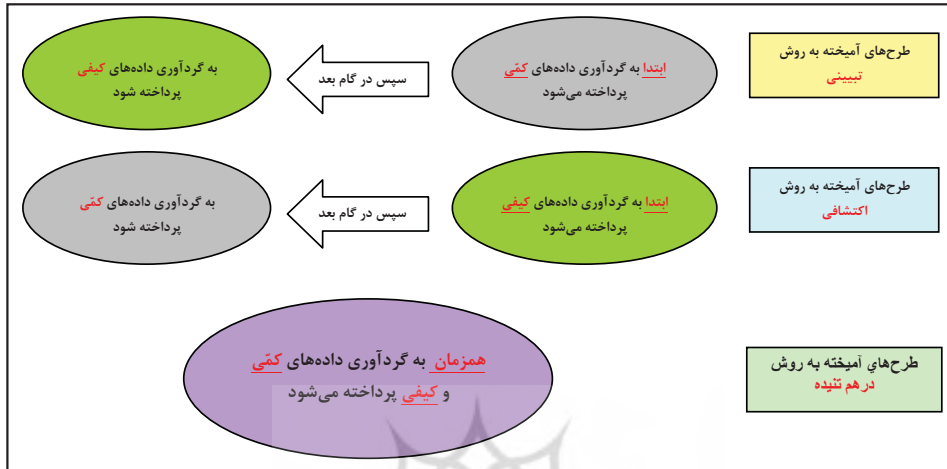
طرح‌های آمیخته از نوع اکتشافی، طرح‌هایی هستند که در آن‌ها به داده‌های کیفی، اهمیت بیشتری (شاخص اول) داده می‌شود و از لحاظ اجرایی (شاخص دوم)، داده‌ها در دو مرحله مجزا گردآوری می‌شود (کرول و همکاران، ۲۰۰۵). به دیگر سخن، ابتدا داده‌های کیفی گردآوری می‌شود و در مرحله دوم، به گردآوری داده‌های کمی پرداخته می‌شود. به زعم کرول و همکاران (۲۰۰۵)، روش آمیخته اکتشافی بیشتر در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دانسته‌های پژوهشگر در خصوص پدیده مورد بررسی یا موقعیت نامعین، محدود^۳، نارسا یا غیر قابل اتکاء است.

به زعم بازرگان (۱۳۸۶)، یکی دیگر از کاربردهای مهم روش‌های آمیخته اکتشافی، موقعی است که پژوهشگر قصد داشته باشد، برای بررسی و وضعیت موجود یک مساله، به تدوین یک ابزار اندازه‌گیری متناسب با آن شرایط پرداخته و در مرحله بعد به مشاهده متغیرهای کمی بپردازد.

-
1. Explanatory mixed methods design
 2. Exploratory mixed methods design
 3. Limited knowledge of the issues

شکل ۱. نمایش شماتیک انواع طرح‌های آمیخته با توجه به نوع تقدم تاخر (توالی)

در گردآوری داده‌های کمی و کیفی



هم زمان با بحث‌های متنوع و متعدد در خصوص چيستی و چگونگی اجرای روش‌های آمیخته پژوهش، بحث‌هایی نیز در مورد مزیت‌ها و کاستی‌های این روش‌ها به‌وجود آمد. بررسی‌های نگارنده در متون و مستندات پژوهشی، موارد زیر را به‌عنوان برخی از مزایا و محدودیت‌های این روش‌ها، عنوان کرده‌اند (تشکری و تدلی، ۱۹۹۸؛ کراسول، ۲۰۰۲؛ روکو و همکاران، ۲۰۰۳؛ جوهانسون و انوگبوزی، ۲۰۰۴؛ کرول، نری و میلر، ۲۰۰۵؛ کمرون و میلر، ۲۰۰۷؛ کمرون، ۲۰۰۹).

دلایل استفاده از روش‌های آمیخته

شواهد تجربی و مستندات پژوهش، برای پژوهش‌های آمیخته، دلایل یا اهداف متعدد و متنوعی را گزارش کرده‌اند. روکو و همکاران^۱ (۲۰۰۳)، پس از مرور ۵۷ پژوهش مبتنی بر رویکرد آمیخته، پنج هدف عمده از به‌کارگیری روش‌های آمیخته پژوهش را الف) در هم تنبیدن؛ ب) مکمل کردن؛ ج) توسعه؛ د) ابتکار؛ هـ) بسطدهی^۲ نشان داده‌اند. روکو و همکاران (۲۰۰۳) نیز یک هدف دیگر، علاوه بر اهداف پنجگانه فوق،

1. Rocco and et al.
2. Triangulation
3. Complementarity
4. Development
5. Initiation
6. Extension

شامل ت) «ارتقای معناداری یافته ها» را برای پژوهش‌های آمیخته متصور شدند. در ادامه به هر یک به اجمال پرداخته می‌شود:

۱. در هم تنیدن: در این حالت پژوهشگر با هدف افزایش روایی پژوهش^۲ و تفسیر پذیری^۳ یافته‌ها به دنبال همگرا کردن نتایج کمی و کیفی است، به عبارت دیگر پژوهشگر بر آنست تا با استفاده توأمان از یافته‌های کمی و کیفی، به تقویت، تثبیت و مطابقت نتایج از روش‌های مختلف بپردازد. روکو و همکاران (۲۰۰۳) بر این باورند که با ترکیب مشاهده‌گران، نظریه‌ها، روش‌ها و منابع داده‌ها، پژوهشگران می‌توانند امیدوار باشند که بر سوگیری‌های ذاتی^۴ (درونی) ناشی از به‌کارگیری تک روش‌ها^۵، تک مشاهده‌گران^۶ و تک نظریه‌ها^۷ غلبه خواهند یافت. درهم تنیدگی، گستره‌ای از به‌کارگیری: الف) مجموعه روش‌های تحلیل و گردآوری داده‌های چندگانه^۸؛ ب) منابع چندگانه گردآوری داده^۹؛ ج) تحلیل‌های چندگانه^{۱۰}؛ د) نظریه‌ها یا دیدگاه‌های چندگانه^{۱۱} را در برمی‌گیرد (پاتون^{۱۲}، ۲۰۰۲).

۲. مکمل کردن: در این حالت پژوهشگر سعی دارد تا با استفاده از یافته‌های یک روش (کمی یا کیفی)، ضمن کسب جزییات بیشتر، به وضوح بخشی و بازنمایی مناسب‌تری از نتایج به‌دست آمده از روش دیگر بپردازد. در واقع سعی بر این است که داده‌های کمی و کیفی، نقش مکمل یکدیگر را داشته باشند. به زعم روکو و همکاران (۲۰۰۳)، هدف پژوهشگر در این حالت، این است که تا با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به بررسی سطوح متفاوت یک پدیده^{۱۳} بپردازد.

۳. توسعه: در این حالت پژوهشگر سعی دارد تا با استفاده از نتایج یک روش (کمی یا کیفی) برای کمک به توسعه روش دیگر یاری جوید. به زعم روکو و همکاران (۲۰۰۳)، هدف پژوهشگر در این حالت، این است

-
1. Enhance significant findings
 2. To increase a study's validity
 3. Interpretability
 4. Intrinsic bias
 5. Single-observer
 6. Single-methods
 7. Single-theory
 8. Multiple data collection and analysis methods
 9. Multiple data sources
 10. Multiple analysis
 11. Multiple theories or perspectives
 12. Patton
 13. Different facets of a phenomenon

که با استفاده از نتایج یک روش (کمی یا کیفی)، به توسعه یا اطلاع رسانی روش دیگر، کمک نماید.

۴. ابتکار: این حالت موارد متعددی را در بر می‌گیرد که شامل، کشف تناقضات و تضادها با استفاده از یافته‌های دو روش کمی و کیفی و کشف دیدگاه‌های نوینی برای چارچوب پژوهش است. صورت‌بندی سوالات نوین با استفاده از نتایج یک روش و استفاده از آن در روش دیگر (مثلاً از یافته‌های روش کیفی، به صورت بندی فرضیه‌های پژوهش بپردازد و آن‌گاه با استفاده از روش‌های کمی به بررسی این فرضیه‌های بپردازد). به زعم روکو و همکاران (۲۰۰۳)، یکی از عمده‌های عمده پژوهشگر در این حالت، این است که با استفاده توأمان از روش‌های کمی و کیفی، به «بینش و بصیرتی نو» در مورد پدیده مورد مطالعه دست یابد.

۵. بسط دهی: در این حالت پژوهشگر به دنبال وسعت بخشیدن و افزایش گستره پژوهش با استفاده از روش‌های متفاوت، برای بررسی اجزاء متفاوت پدیده مورد مطالعه می‌باشد. به عبارت دیگر، پژوهشگر سعی دارد تا با استفاده از داده‌های کمی و کیفی در خصوص پدیده مورد مطالعه، به مطالعه خود وسعت بخشیده و شرایط لازم را به منظور بررسی اجزاء متفاوت پدیده مورد نظرش عملی سازد. به زعم روکو و همکاران (۲۰۰۳)، یکی از هدف‌های عمده پژوهشگر در این حالت، این است که تا با استفاده توأمان از روش‌های کمی و کیفی و گردآوری عناصر متعدد و متنوع، به «افزایش وسعت، دامنه و پهنای مطالعه» دست یابد.

۶. ارتقای معناداری یافته‌ها (بالا بردن سطح معناداری یافته‌های یک روش با استفاده از یافته‌های روش دیگر): در این حالت پژوهشگر سعی دارد تا با استفاده از یافته‌های یک روش، به معنادرتر شدن یافته‌های روش دیگر کمک نماید. به دیگر سخن، به وسیله یافته‌های یک روش، سعی می‌شود تا یافته‌های با معناتری برای روش دیگر، در خصوص ابعاد مسئله مورد بررسی به دست آید.

هرچند اهداف دوم و ششم، قرابت نزدیکی با هم دارند، لیکن یک تفاوت ظریف بین این دو هدف وجود دارد. تفاوت هدف ششم با هدف دوم، در این است که در هدف مکمل‌گری (هدف دوم)، استفاده از دو روش کمی و کیفی، برای گردآوری جزییات بیشتر و بررسی سطوح متفاوت پدیده صورت می‌پذیرد، لیکن در هدف ششم، یعنی ارتقای معناداری یافته‌ها، سعی در این است که با استفاده از داده‌های یک روش، به افزایش معنای یافته‌های روش دیگر کمک شود. یعنی یافته‌های یک روش در خدمت معناداری کردن یافته‌های روش دیگر به کار می‌رود؛ اما در هدف دوم، هیچکدام از دو روش کمی و کیفی، در خدمت

-
1. Results from one method to help develop of inform the other method
 2. Fresh insights
 3. Extend the breadth and range of the study

روش دیگری نیست، بلکه هدف کمک به دیدن پدیده مورد بررسی از زوایای متعدد است. به عبارت ساده تر، در هدف دوم، وضوح بخشی یافته‌ها از زوایای دیگر، مهم است، اما در هدف ششم، یافته‌های یک روش به‌عنوان یک ابزار برای خدمت و وضوح بخشی به یافته‌های روش دیگر، ایفای نقش می‌کند.

گام‌های انجام طرح‌های تحقیق آمیخته

به زعم کراسول (۲۰۰۲) یک طرح تحقیق آمیخته را می‌توان در هشت گام الف) تعیین میزان عملی بودن اجرای پژوهش با استفاده از روش‌های آمیخته؛ ب) توجیه اجرای طرح؛ ج) تعیین راهبردهای گردآوری داده‌ها؛ د) تدوین سؤال‌های پژوهشی کمی و کیفی؛ هـ) گردآوری داده‌های کمی و کیفی؛ و) داده‌ها تنظیم؛ ز) تحلیل داده‌ها؛ ح) تهیه گزارش تحقیق، به انجام رساند (به نقل از بازرگان، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش در حوزه‌ی علوم اجتماعی در دهه‌های اخیر، دوران پرچالشی را پشت سر گذاشته است. طی این مدت، محققان و اندیشمندان، رهیافت‌های روش‌شناختی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی متفاوتی را برای مطالعه مسائل و پدیده‌های جامعه و تبیین تغییر و تحولات مورد استفاده قرار داده‌اند.

انتخاب رویکرد مناسب پژوهش، از دغدغه‌های عمده پژوهشگران عصر حاضر است. روش‌شناسی، بسان پلی میان پارادایم‌های فلسفی و روش‌های تحقیق ایفای نقش می‌کند. عمده‌ترین عامل انسجام‌بخش یک طرح پژوهش، رعایت تناسب بین دیدگاه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پژوهش از یک سو، با روش‌های پژوهشی مورد استفاده از سوی دیگر است که مباحث مربوط به رعایت یا عدم رعایت آن در حوزه روش‌شناسی مطرح می‌شود. این امر نشان‌دهنده میزان اهمیت روش‌شناسی در سلامت پژوهش است. بررسی‌های ایمان (۱۳۸۰) نشان داد که اغلب مطالعات علوم انسانی در ایران از نوعی ابهام روش‌شناسی برخوردارند. به زعم وی، تناسب و سازگاری بین دیدگاه‌های بنیادین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش پژوهش در اغلب موارد، رعایت نشده است.

درک زندگی اجتماعی که از کنش متقابل با معنای انسان‌ها خلق می‌شود، متکی بر نظام معنایی مردم در هر اجتماعی، است. بر این اساس امنیت عمومی به‌عنوان آنچه که مردم آن را تجربه می‌کنند و به آن معنا می‌بخشند، موجودیت می‌یابد. بنابراین هویت امنیت عمومی، بستگی به تعریفی دارد که مردم از آن به‌عمل می‌آورند که فهم آن صرفاً از زاویه دید آن‌ها امکان‌پذیر است. از این رو برای پژوهش در مفهوم امنیت

عمومی در کشورمان، از زاویه دید تفسیرگرایان، می‌بایست از روش‌های کیفی استفاده کرد. اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا روش‌های پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های تفسیری (روش‌های کیفی)، به تنهایی برای درک همه جانبه واقعیت پدیده‌های اجتماعی و تعمیم‌پذیری نتایج، کفایت می‌کند؟

به رغم آنکه در چند دهه اخیر، روش‌های تحقیق کیفی، در کشورهای توسعه یافته، توانسته قابلیت‌های خود را در توصیف و تفهیم واقعیت‌های اجتماعی به تایید رساند، اما در کشورمان اعتماد چندانی نسبت به این روش‌ها وجود نداشته است. دشواری‌های اجرایی، پیچیدگی‌های فنی، نسبیّت و نبود یک روش‌شناسی واحد از سویی و عدم امکان تعمیم‌پذیری آماری از سوی دیگر، سبب شده است تا تمایل برای استفاده از چنین روش‌هایی از سویی پژوهشگران و کارفرمایان طرح‌های پژوهش اجتماعی محدود شود.

به زعم پریمگ^۱ (۲۰۰۴)، به دلیل ماهیت چندبعدی و پیچیده پدیده‌های علوم اجتماعی، نمی‌توان صرفاً با استفاده از یک روش (کمی یا کیفی) به شناخت عمیق و کافی از مسائل این علوم دست یافت. به عبارت دیگر، بنا به ماهیت پیچیده پدیده‌های انسانی، استفاده از رویکردهای آمیخته در کسب شناخت همه جانبه آن‌ها، ضرورت تام دارد. پژوهش‌های آمیخته به متولیان این امکان را می‌دهد تا به جای اینکه صرفاً به دنبال اندازه‌گیری جنبه‌های قابل اندازه‌گیری و مشاهده‌پذیر پدیده‌ها باشند، به‌طور جامع به درک واقعیت پدیده‌های علوم اجتماعی نایل آیند.

برای درک بهتر شرایط ضرورت دارد به چند تعریف توجه کنیم تا پیچیدگی و ابهامات موجود در مسائل امنیتی مشخص گردد آن‌گاه بهتر خواهیم پذیرفت که یک روش تحقیق به تنهایی برای انجام پژوهش‌های مؤثر در حوزه امنیت کفایت نمی‌کند.

واژه امنیت در لغت‌نامه‌های فارسی نیز به معنی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی بوده و کلمه امن به معنی بی‌بیم شدن، بی‌ترس، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف آمده است (عمید، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

امنیت عبارت است از مصونیت از تعرض و تصرف و اجبار بدون رضایت است؛ یعنی اینکه مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند (لرنی، ۱۳۸۳).

همین دو تعریف ساده نشان می‌دهد که در تعریف امنیت با چه مشکلاتی مواجه هستیم. کلمنتس در این باره می‌گوید: امنیت واژه‌ای است که به شدت از تعریف می‌گریزد و عملیاتی کردن آن بسیار دشوار است مگر آن‌که به واسطه ناامنی تعریف شود. بیش‌تر جامعه‌شناسان این مفهوم را به‌طور کامل نادیده

می‌گیرند و بر واژگانی هم‌چون قدرت، اقتدار، نظم و کنترل متمرکز می‌گردند (کلمنتس، ۱۳۸۴). امنیت به‌عنوان واژه‌ای اختلاف‌برانگیز و جنجالی، امتزاجی از یک جاذبه احساسی و سیاسی نیرومند، همراه با پهنه وسیعی از معانی کلیدی است، چنین آمیختگی و ترکیبی، بیانگر انباشتگی معنا و ظرفیت فوق‌العاده نهفته این مفهوم می‌باشد.

لویس یلمزاف^۱ که در چارچوب زبان شناختی، حوزه لفظ و حوزه معنی را معرفی و موردشناسایی قرار می‌دهد؛ معتقد است: «دالها را نمی‌توان به‌طور دائم وابسته به مدلول‌های خاص دانست». وی اذعان می‌دارد که دال امنیت به مدلول خاص و ثابتی مربوط نمی‌شود و هیچ رابطه سدیدتی بین این دو (دال و مدلول) وجود ندارد و هر ارتباطی، اعتباری است. زیرا هم دال مملو و آکنده از معناست و هم مدلول‌ها متکثر و سیال می‌باشند.

با این توصیف از آنجایی که امکان ترسیم دقیق امنیت در فضای تعاریف نیست شاید بهتر باشد تا اهداف امنیت را مورد توجه قرار دهیم. هر چند در این شرایط نیز به‌زودی خود را با فضای وسیع و بزرگی مواجه می‌بینیم که از ضرورت استفاده از ابزارهای متفاوت و متنوع برای ترسیم وضعیت حکایت می‌کند: برخی از مهم‌ترین اهداف امنیت عبارتند از:

الف - حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛

ب - تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی در کشور؛

پ - حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی؛

ت - فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای اجتماعی؛

ث - ادامه توسعه داخلی بدون دخالت خارجی یا تهدید قدرت‌های خارجی؛

ج - پیشبرد رفاه مردم (ریعی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

نتایج این مباحث نشان می‌دهد که مطالعات در حوزه امنیت به‌ویژه از نوع عمومی آن، به‌شدت نیازمند استفاده از «رویکرد پژوهش آمیخته» است. هم‌چنین یافته‌های ما، ضرورت پرهیز از اتکاء به نتایج مطالعاتی که در حوزه مطالعات علوم اجتماعی، صرفاً با استفاده از روش‌های اثبات‌گرایی (یعنی روش‌های کمی پژوهش)، به انجام می‌رسند را به تأیید رساند. از سوی دیگر پژوهش‌های کیفی چه به لحاظ اجرایی و چه به لحاظ دستاورد، با کاستی‌هایی مواجه است و اتکاء صرف به یافته‌های آن نیز می‌تواند، با نقایصی همراه باشد. هر چند که به نسبت پژوهش‌های کمی، پژوهش‌های کیفی، سازگاری بسیار بیشتری با علوم انسانی دارد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از رویکردهای آمیخته پژوهش، به دلیل بهره‌مندی توأمان از مزیت‌های روش‌های کمی و کیفی و رفع کاستی‌های یکدیگر، امکان درک همه جانبه و نظام‌مند از پدیده‌های علوم اجتماعی، نظیر امنیت عمومی، را بیشتر فراهم نموده و در سطحی برتر به افزایش معناداری یافته‌ها و امکان تعمیم بخشی صحیح، منتج می‌شوند.

منابع

منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. سروش، تهران.
- ابراهیم پور، حبیب (۱۳۸۵). مبانی فلسفی تئوریهای سازمان و مدیریت با رویکرد کارکردگرایی و ساختارگرایی. *مجله فرهنگ و مدیریت*، ۴ (۱۳)، ۸۳، ۱۱۲.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۸۰). نقد روش‌های کمی اغلب بر پژوهش و لزوم توجه به روش‌های کیفی در پژوهش رسانه‌ها در ایران. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۶ (۲)، ص ۱۳۱، ۱۴۷.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۵). *ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تاکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی*. (مجموعه مقالات علوم تربیتی به قلم جمعی از مولفان) انتشارات سمت، تهران.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کندوکاو در مسایل نظام آموزشی و حل آن‌ها. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران*، ۳۷ (۳)، ۱۰۱، ۱۱۹.
- بریل، گیبسون؛ مورگان، گارت (۱۳۸۳). *نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان* (ترجمه محمد تقی نوروزی). سمت، تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. سمت، تهران.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۶). از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی. *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، ۱۳ (۵۱)، ۹۱، ۱۱۰.
- ریبعی، علی (۱۳۸۷). *مطالعات امنیت ملی*. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- لغت نامه عمید (۱۳۷۴).
- فی، براین (۱۳۸۱). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چند فرهنگی* (ترجمه خشایار دیهیمی). طرح نو، تهران.
- قاسمی، محمدعلی (تابستان ۱۳۸۴). به سوی جامعه‌شناسی امنیت. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۸ (۲).
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی امنیت*. ناشر مؤسسه فرهنگی نشر رامین، تهران.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۶). *کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات علمی پژوهشی روان‌شناسی در ایران*. بازیابی از: <http://www.lotfabadi.com>

منابع انگلیسی

- Begley CM (1996). Using triangulation in nursing research, *Journal of Advance Nursing*. 24 (1): 122-128.
- Bernard, H. R. (1995). *Research methods in anthropology: Qualitative and quantitative approaches*

- (2nd ed.). Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
- Bernstein, R. J. (1983). (*Beyond Objectivism and Relativism*. Oxford: Basil Blackwell
- Bryant, C. (1985) *Positivism in Social theory and Research*: St. Martin's press. NewYork.
- Calhoun, Craig (2002) *Dictionary of the Social Sciences*, Oxford University Press.
- Cameron, R & Miller, P (2007), 'Mixed method research: phoenix of the paradigm wars', paper presented at the 21st Annual Australian & New Zealand Academy of Management (ANZAM) Conference, Sydney, 4-7 December
- Cameron, Roslyn. (2009) "A sequential mixed model research design: design, analytical and display issues" *International Journal of Multiple Research Approaches* (in press).
- Creswell, John. (2002). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* second editions. Sage Publications, Thousand Oaks, CA.
- Delanty, Gerard., & strydom Piet (2003) *Philosophy of social science: the classic& contemporary*, readings i Maidenhead, Philadelphia, Open University press.
- Denzin, N. K. , & Lincoln, Y. S. (Eds.) (1994). *Handbook of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Feyerabend , P. K. (1975). *Against Method*. London: Verso. (Revised edn (London: Verso, 1988)
- Foss, C & Ellefsen, B (2002). The value of combining qualitative and quantitative approaches in nursing research by means of method triangulation. *Journal of Advanced Nursing*. 40(2). 242-248.
- Giddens, Anthony.)1974(*Positivism and Sociology*. Heinemann. London.
- Held, D(1980) *Introduction to critical theory*: Hutchinson Groupe(NZ) Ltd.
- Husen. T. (1996); "Research paradigms in Education" pp (16-21)" *Educational Research «Methodology and Measurement: An International Handbook*; London, pergamon ingwood.
- Johnson, BR & Onwuegbuxie, AH (2004). Mixed methods research: A research paradigm whose time has come, *Educational Researcher*, 33(7):14-26.
- Kaplan, A (1985); "Research Methodology: Behavioral sciences" (pp 4293- 4300) *The International Encyclopedia of Education V. 7 Ed by Husen*. London.
- Kroll T, Neri MT & Miller K. (2005). Using mixed methods in disability and rehabilitation research. *Rehabilitation Nursing*, 30(3): 106-113.
- Neuman, Lawrence; (2000). *Social Research Methodes* 4th ed; london, Allyn & Bacon
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. (3th ed.)Thousand Oaks, CA: Sage.
- Polit DE & Beck CT (2006). *Essential of nursing research: Methods, appraisal and utilization* (6th edn). Philadelphia PA: Lippincott Williams and Wilkins.
- Primg, Richard; (2004). *philosophy of Educatinal Research*, 2nd ed ; London; continuum
- Risjord, MW, Dunbar SB & Moloney MF (2004). A new foundation for methodological triangulation. *Journal of Nursing Scholarship*. 34(3). 269-275.
- Rocco, Tonette & Bliss, Linda. A & Gallagher, Suzanne & Perez-Prado (2003). Taking the Next Step: Mixed Methods Research in Organizational Systems. *Informational technology, learning, and performance Journal*. 21(1). 19-29. s
- Scott, John & Marshall, Gordon (2005). *A Dictionary of Sociology* (3rd Ed). Oxford University Press.
- Tashakkori, A. , and Teddlie, C. (1998). *Mixed methodology: Combining the qualitative and quantitative approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Wikipedia at: http://en.wikipedia.org/wiki/Main_Page